

به نام خداوند جان و خرد

توفانی که نسیم شد

مادر ناسازگار و دختر ماجراجو

(مجموعه‌ای از درمان یک

اختلال شخصیت مرزی)

به همراه نقد شبه‌خانواده و قانون حمایت از کودکان در

ایران

حسین مهدوی «راوی»

چاپ سوم، ویراست دوم، ۱۴۰۳

سرشناسه	مهدوی «راوی»، حسین، ۱۳۴۰
عنوان و نام پدیدآور	توفانی که نسیم شد: مادر ناسازگار و دختر ماجراجو
وضعیت ویراست	ویراست ۲
مشخصات نشر	تهران: موسسه فرهنگی هنری راوی ترانه های باران، نشر نکته، ۱۴۰۳
مشخصات ظاهری	۱۵۲ ص
شابک	۹۷۸-۹۶۴-۶۵۵۴-۱۰-۸
وضعیت فهرست نویسی	فبا
یادداشت	چاپ سوم
یادداشت	کتابنامه: ص ۱۴۹-۱۵۰ همچنین به صورت زیرنویس.
یادداشت	نمایه
عنوان دیگر	گزارشی از درمان یک اختلال شخصیت مرزی به همراه نقد شبه خانواده و قانون حمایت از کودکان در ایران
رده بندی کنگره	RC۴۸۰/۵
رده بندی دیویی	۶۱۶/۸۹۱۵۶
شماره کتابشناسی ملی	۹۶۴۷۳۴
اطلاعات رکورد کتابشناسی	کتاب

توفانی که نسیم شد	
نویسنده و مؤلف	: حسین مهدوی «راوی»
ویراستار	: عباس مهدوی
صفحه آرایی	: شهین سپهری دانا
چاپ سوم، ویراست دوم: ۱۴۰۳	
شمارگان	: ۱۰۰۰ جلد
ناشر	: نکته. مؤسسه فرهنگی و هنری راوی ترانه های باران
چاپ و صحافی	: الماس
طراح جلد	: فهیمه اکبری

فهرست

۱	مقدمه چاپ
۳	پیش آگهی
۷	آنچه در این کتاب خواند
۹	فرصتی مغتنم
۲۱	اختلال شخصیت، واقعیت بران
۲۵	سرقت مسلحانه
۲۸	دلارام آشوب دل
۳۳	زخم های عمیق
۳۶	تحلیل درمان
۳۹	دردهای بی التیام
۴۱	تحلیل درمان
۴۲	خودآگاهی نسبی
۴۵	بحران های پیش رو
۵۲	خبرهای خوش
۵۵	تهی از ارزش ها
۵۹	تحلیل درمان
۶۳	ماجرای تلخ
۶۵	تحلیل درمان
۷۱	مادر ناسازگار
۷۷	پدر واداده
۸۱	مدرسه بی مسئولیت
۸۳	ناجوانمردی یک فیلم ساز
۸۷	خانواده از نوعی دیگر
۹۱	سرنوشتی تلخ

۹۵	تحلیل درمان
۱۰۱	شبه خانواده شاید چاره‌ای برای درمان
۱۱۴	طرح شبه خانواده
۱۱۷	همه چیز برای نزدیکی بیشتر به خانواده
۱۱۹	دفتر شبه خانواده
۱۲۱	خدمات دفتر شبه خانواده
۱۲۷	مطالعه و بررسی اجمالی ساختارهای شبه خانواده و ساکنان آن
۱۳۲	نگاه‌باری به هر جهت نمایندگان مجلس
۱۳۷	جمع‌بندی
۱۴۱	پرسش‌هایی برای تمرین ذهنی
۱۴۲	What you read in this book
۱۴۳	منابع
۱۴۵	نمایه

مقدمه چاپ سوم

تشکیل گروه درمان روان‌شناسانه در کشور ما کاری بس سخت و طاقت فرساست. مهمترین مؤلفه در شکل‌گیری چنین گروهی انگیزه است. در میان روان‌شناسان درمانگر و مددکاران انگیزه چندانی برای گرد هم آمدن به منظور یاری رسانی و درمان به مراجع یا مددجوی بحران زده وجود ندارد.

شکل‌گیری چنین گروهی در حلقه اول نیازمند نهادینه بودن رفتار فرهنگی در حوزه تخصصی افراد است. یعنی پذیرش رهبری و انگیزه در یاری رسانی و تمایل به مشارکت گذاشتن تجربه و تخصص مرکز بودن به درمان به معنای وسیع کلمه آن. اقتصاد نیز جنبه دیگر و مهم از مزایای شکل‌گیری گروههای حمایتی و درمانی است. افراد در هر حد از توانایی و تخصص حرفه‌ای، محاسبه اقتصادی دارند. گاه ممکن است فرد درگیر کار درمان گروهی باشد و نفع اقتصادی نبرد به عبارت دیگر ناچار باشد از جیب مایه بگذارد.

یکی از دلایل مهم این مانع نبود حمایت مالی از سوی سازمان‌ها و مراکز حمایتی است آنها برای مشارکت‌های حرفه‌ای درمان‌کنندگان شناسانه تعریف قانونی ندارند و برای آن نیز بودجه‌ای اختصاص نمی‌دهند.

ناگفته نماند؛ حمایت‌های قانونی بسیار مهم‌اند! گاهی به نظر نبود چنین حمایت‌هایی افراد گروه درمان روان‌شناسانه از ادامه کار مأیوس می‌شوند. گاه دیده شده است، مراکز خدمات اجتماعی دستگاه قضا یا نهادهای حمایتی در مواجهه با گروههای درمان دچار تعجب و شگفتی می‌شوند، هر چند تظاهر به میل و علاقمندی در یاری رسانی و همراهی با گروه درمان دارند اما ضوابط اداری و سیاسی را مانع همراهی بیان می‌کنند. در نهایت تکیه کلام اغلب آنها این است عجب حوصله‌ای دارید!

البته می‌توان به لایه‌های دیگر موانع کار مشارکتی و گروهی در درمان اختلال‌های روان‌شناختی پرداخت. اما اشاره به آنها تنها موجب تأسف و تأثر است!

با همه مشکلات موجود گروه درمان «دلاوام» کودکی که از قانون اصلاح و تربیت تهران به مرکز خدمات اجتماعی سازمان زندان‌های استان تهران سپرده شد تا تحت حمایت خدمات اجتماعی قرار گیرد تا آنجایی که امکان داشت زیر چتر مشاوره و درمان گروه درمان قرار گرفت آن‌هم تا زمانی که پرونده آن به‌طور کامل بسته شد.

حسین مهدوی «راوی»

www.ketab.ir

پیش‌آگهی

اختلال شخصیت عارضه‌ای روان‌شناختی است. ناتوانی در حل تضادها و دست‌نیافتن به اغنای عاطفی و معنایی زمینه‌ساز این عارضه است. هریک از ما ممکن است در محدوده‌ای از اختلال رفتار باشیم یا برای مدتی کوتاه با آن دست‌وپنجه نرم کنیم. هنجارهای خانوادگی، ملی، اجتماعی، ملی و... معیارهای مهمی برای ارزیابی و سنجش کم‌وکیف اختلال رفتاری هستند. فرد به هر میزان که از هنجارها دور می‌شود، زمینه نهادینه شدن سبکی از اختلال رفتار را در خود پدید می‌آورد. نهادینه شدن طیفی از اختلال رفتار با به هنجاری درونی و فردی می‌شود. تقابل دو هنجار درونی و اجتماعی موجب پدیدآیی تعارض می‌گردد که در فعالیت اجتماعی موجب طرد و سرخورش می‌گردد. فرد در این تقابل، سبکی متفاوت از رفتار و زندگی را پیشه می‌کند. همین خاطر، گاه خودش و در بسیاری از مواقع، دیگران او را عجیب و غریب می‌پندارند. شکل‌گیری اولیه اختلال شخصیت از خانواده و دامن مادر است و منتهی به همان جامعه و در پی آنها رسانه به آن دامن می‌زند.

عزت‌نفس، شاه‌کلید ماجرای اختلال شخصیت است. فرد در تقابل تضادها و دور شدن از هنجارها اولین مؤلفه‌ای که در حوزه روان‌شناختی از دست می‌دهد، عزت‌نفس است. افرادی که در حیطه اختلال رفتار گرفتار می‌مانند، مستعد خطر کردن هستند آن‌هم بدون محاسبه، به تعبیری به آسانی زمینه آسیب به خود و دیگران را فراهم می‌سازند. شاید آنچه می‌گوییم اغراق به نظر برسد، اما از قرار، اختلال رفتار در جامعه ما شیوع دارد یا به عبارتی، همه‌گیر است. نگاهی به آمار مرگ‌ومیر سالانه در جاده‌ها بیندازید؛ به رشد روزافزون خودکشی توجه کنید؛ درهم‌ریختگی و عصبیت جامعه شهری را ارزیابی کنید؛ افزایش طلاق را

در نظر بگیرید؛ وجود زندانیان مالی و شمار فراوان آنان را به حساب بیاورید و پرخاشگری، بی‌اعتمادی، سوءظن و نامردمی‌ها را در رفتارهای اجتماعی ببینید. اگر از دریچه‌ای تنگ و یکسویه به آسیب‌های اجتماعی بنگریم، به شکلی تلخ و آزارنده به این باور خواهیم رسید که اختلال رفتار در جامعه ما شیوع دارد. حاشیه شهرهای بزرگ که ملغمه‌ای از رفتارهای نازل فرهنگی بعضی مهاجران است، بستری مناسب برای شکل‌دهی به اختلال رفتار است. گرایش به مواد مخدر و محرک و شکسته شدن حریم‌های خانوادگی و رنگ‌باختن حلال‌ها و حرام‌ها، نشانه‌های بارز اختلال در رفتار هستند.

نکته مهم دیگر در تبیین اختلال شخصیت در کنار تزلزل در عزت نفس، مفهوم مهم «ندای درونی» است. وقتی پایه‌های عزت نفس سست می‌شود، فرد از نظر روان‌شناسی آسیب‌پذیر می‌شود. هرگونه مخاطره است. وسوسه هنجارشکنی و دور شدن از یک وضعیت متعادل روان‌شناختی به مثابه همان ندای درونی است. فردی که عزت نفس او را از دست داده است، وسوسه‌هایی به فراخور حالش رفتار او را جهت داده و هلاک‌گر می‌کنند و این سرآغاز دور شدن از هنجارهاست. هرگاه جامعه بتواند هنجارها را، نوادگی، قومی، مدرسه (اجتماع) و رسانه را همسو و همگام باهم سازد، از بروز اختلال در جامعه کاسته خواهد شد، بی‌شک سیاست‌ها در اداره امور جامعه به ویژه شکل‌دهی به فرهنگ و مهم‌تر از همه فلسفه اجتماعی پویا زمینه‌ساز اصلاح است. و قوام‌بخشی به هنجارهاست. آموزش مادران به‌ویژه آن دسته از مادرانی که دچار اختلال عاطفی و هیجانی هستند، به تربیت فرزندان سالم‌تر از نظر روانی کمک می‌کند. وظیفه هریک از ماست که به شناسایی کم‌وکیف اختلال‌های رفتاری خود و اطرافیانمان بپردازیم و بفهمیم اختلال رفتار مختص خود ما چه تعریف و نشانه‌ها دارد؟

البته شناسایی اختلال‌های رفتار، گامی برای آگاهی و درمان است. به عبارت دیگر، دست‌یافتن به این آگاهی به منزله مجوزی برای مداخله نیست. هرچه باشد هریک از ما به سختی می‌پذیرد که دچار اختلال رفتار یا شخصیت است.

نکته‌ای که در این متن قابل تأمل است، آن است که گاهی اختلال رفتار، مترادف اختلال شخصیت آمده است. اختلال رفتار لزوماً منجر به اختلال شخصیت نمی‌شود؛ چراکه فرد ممکن است بنا به شرایطی از هنجارها دور

شود و رفتاری اختلالی از خود نشان دهد؛ اما ممکن است آن رفتار یک انتخاب برحسب ضرورت برای عبور از یک تنگنای روان‌شناختی یا بحران باشد و جزئی از ویژگی‌های پایدار رفتاری فرد نباشد. آنجایی که اختلال رفتار در زمره ویژگی‌های پایدار روان‌شناختی فرد است و فرد، ناخواسته و به‌طور نهادی دست به آن می‌زند به مثابه اختلال شخصیت است، چراکه رفتارهای او بر اساس محرک‌ها و نشانه‌هایی است که برای او معنادار است یا موجب تسکین و آرامش اوست، اما موجب آسیب به خود و یا دیگران است و به تعبیری باعث فراموشی «اصل مراقبت» از خود» می‌شود.

آنچه در این کتاب می خوانید:

ممکن است با خواندن عنوان کتاب، تصور کرده باشید که در این کتاب با قصه‌ای احتمالاً ماجراجویانه روبه‌رو هستید؛ البته ممکن است آنچه در کتاب آمده است بافتی روایتی و قصه‌گونه داشته باشد، اما نه، این‌طور نیست؛ یعنی، آنچه می‌خوانید یک قصه نیست. ناگفته نماند، وقتی کتاب را کامل بخوانید، هنگام بیرون آمدن از آن، با کمی دقت به زندگی خود و اطرافیان خود می‌پایید که به‌نوعی این قصه زندگی همه‌ماست. هریک از ما در زندگی خود با درختی از مشکلات عاطفی و هیجانی روبه‌رو هستیم. گاهی این مشکلات ما را تا آستانه پسران یا پسران می‌برد؛ حال چه می‌شود که ما، در بحران غوطه‌ور نمی‌شویم و یک جورهایی نجات پیدا می‌کنیم؟ این تجربه خاص هریک از ماست، اما هستند کسانی که بی‌آنکه خود به‌جایمان، شتابان در ورطه بحران درمی‌غلطند. آنچه در این کتاب می‌خوانید، فرایند یک درمان روان‌شناختی است که توسط یک گروه درمانگر شکل گرفته است و مهم‌تر از آنکه قهرمان، مراجع، مددجو، بیمار یا هر چه که بعداً او را نام خواهید گذاشت، از منطقه بحران نجات می‌یابد و سرنوشتی متفاوت از آنچه بر او گذشته است، پیدا می‌کند و چگونه سرنوشتی تلخ می‌شود!

کتاب را با دقت بخوانید و سعی کنید خودتان به چراهایی که در ذهنتان شکل می‌گیرد پاسخ دهید و مهم‌تر از همه، از خود پرسید: چه سرنوشتی در انتظار دختران و پسران نوجوان شبیه نقش اول این ماجراست؟

در این کتاب، در توضیح فرایند درمان، از ورود به لایه‌های تخصصی، شیوه و سبک درمان پرهیز شده است تا خوانندگان بیشتری از آن استفاده ببرند.